

## شیوه اجرای عدالت در دوران پیش از مشروطیت

نویسنده: نامعلوم

این مقاله در ۲۷ صفحه اسناد مربوط به چگونگی اجرای عدالت در دوران قبل از انقلاب مشروطه که در کتاب «وقایع اتفاقیه» ارایه شده را بررسی می‌کند. این کتاب به کوشش سعیدی سیرجانی در ۷۳۲ صفحه چاپ شده است.

مقاله با مروری بر مخالفت‌های روحانیون مشروعه خواه، به رهبری شیخ فضل الله نوری، با تشکیلات نوین عدلیه و دادگستری که توسط مشروطه خواهان ارایه شده بود، آغاز می‌شود. محوریت این مخالفت‌ها آن بود که «قوانین دوره مشروطه چون با قوانین اسلام مغایرت دارد، نه دارای ارزش قانونی است و نه لازم الاجراست» (ص ۱۳۵)، یا «مسلمانان برای حل و فصل دعاوی خود باید منحصرًا به «قضات شرع» که مامور اجرای «قسط اسلامی» هستند مراجعه کنند» (ص ۱۳۶).

نویسنده کتاب «وقایع اتفاقیه» در مقدمه در مورد اهمیت اقلیم فارس برای پادشاهی بریتانیا در زمانه «جوش تسلط انگلیس بر شبه قاره هند» می‌نویسد و اینکه چگونه نماینده انگلیس در شیراز، یک نسخه از گزارش‌های ارسالی خود برای وزارت خارجه انگلیس را در دفتر شخصی خود می‌نوشته و این دفتر شخصی به دست نویسنده رسیده و مبنای تالیف کتاب «وقایع اتفاقیه» شده است. نویسنده کتاب مدعی است «پیش از مشروطیت از اجرای عدالت در ایران خبری نبوده است» (ص ۱۳۹). وی در مقدمه کتاب، جهل و بی‌خبری مردم را در دوره ناصری و مظفیری به نقد می‌گیرد که «برای او [شاه] رابطه خاصی با خدا قایل شده و با تأویل غلطی از «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ» قدرت او را نوعی قدرت الهی پنداشته» و اظهار می‌کند که شاه و حگام و زبردستانش با تکیه بر همین قدرت می‌توانستند «رعیت را یعنی امثال بنده و شما را، بزند، بفروشد و بگشدد.» (ص ۱۳۹). فروش و کشتار رعیت به دست پادشاه مقدمه‌ای می‌شود برای ادامه مطالب این مقاله که شرحی از شکنجه‌های نیروهای حکومتی بر مردم فارس است.

«وقایع اتفاقیه» نمونه‌های فراوان و دردناکی از ظلم‌های حگام فارس بر مردم را می‌شمارد و عکس‌العمل شاه را این گونه بیان می‌کند: «همین قدر که نظم ولایت فارس را می‌دهید و مالیات خود را به وقت و زود می‌رسانید و باقی ندارید ما را کفایت است» (ص ۱۴۰). به این ترتیب دست حکام محلی برای هر نوع جبر و خونریزی، به خصوص در ولایات دور دست، مادامی که مالیات به موقع به شاه برسد، باز بود.

نمونه های زیادی از انواع مجازات رایج در ولایات فارس (در بازه زمانی ۱۲۹۱-۱۳۲۲ هجری قمری) در این کتاب آمده است که از آن جمله می توان به زنجیر کشیدن، سوار الاغ کردن و در شهر گرداندن، توسری و تودهنی زدن، پای برهنه در کوچه کشاندن، ممانعت از خوابیدن و چوب زدن اشاره کرد:

«دیگر آن که سربازهای فوج افشار که سپرده به اردشیرخان سرتیپ است به جهت موجب نه ماهه آنها که نرسیده است شب هنگام درب منزل حکومت جمع شده بودند، داد و فریاد زیاد کرده بودند. حکومت سلاطین آنها را گرفت، دو سه نفر از آنها را چوب زیادی زدند و مابقی را حبس نمودند» (ص ۹۶ از وقایع اتفاقیه).



۴ ژاندارم، یک محکوم گچ گرفته شده را در میان گرفته اند (عکس از یک جهانگرد اروپایی)



محکومی را در شیراز برای اعدام جلوی توپ بسته اند (عکاس: ناشناس)

### شکل ۱ - دو نمونه مجازات مجرمان در دوره قاجار (منبع: باشگاه خبرنگاران جوان)

در ادامه نویسنده برخی از شکنجه های مرسوم در فارس را به تصویر می کشد، که یادآور شرح تعذیب های فوکو در کتاب «مراقبت و تنبیه» است. بریدن و سوراخ کردن گوش، بریدن دست و انگشتان، تراشیدن ریش، پی بریدن (از پاشنه پای انسان)، دوختن دهان و مهار زدن، اخته کردن، دم توپ گذاشتن، گچ گرفتن فرد تا مرگ، شرحه کردن، کشتن و شقه کردن، و سر بریدن از جمله مجازات های نوشته شده در این کتاب (همراه با ذکر نمونه های فراوان) است. نویسنده همچنین مجازات زنان را نیز از قلم نمی اندازد. تنبیه هایی نظیر تراشیدن موی سر، سربرهنه در بازار گردانیدن، گلیم پیچ کردن و کتک زدن از جمله شکنجه های رایج برای زنان بود. نکته مهم این است که این مجازات ها نه براساس قاعده و قانون مشخص، بلکه براساس میل و نظر حاکم منطقه اجرا می شد و رعیت عملاً جایی برای دادخواهی از ظلم حکام نداشت.

نویسنده بیان می کند که در آن روزگار «خیلی از علما کم شان شده اند و از طرف حکومت هیچ اعتنایی به آنها نمی شود» (ص ۱۵۲) و به این ترتیب، نهاد دینی هم جایگاه خود را به عنوان مامن و آرامش مردم تا حدودی از دست داده بود. اما علی رغم این همه مجازات های سخت و گاهی وحشیانه، نویسنده مدعی است که «شیراز و فارس در آتش بی نظمی می سوزد». چنین مجازات های بی منطق و ظالمانه ای در اطراف و اکناف ایران شاید توجیهی باشد بر اینکه چرا مردم از جای جای ایران در انقلاب مشروطه مشارکت داشتند.